



**تماشاخانه کانون، مهمان البرز شد**
تماشاخانه سیارکانون پرورش فکری با نمایش «آش سنگ» و برنامه‌های فرهنگی و هنری، از ۲۱ تا ۲۵خرداد مهمان کودکان و نوجوانان استان البرز خواهد بود. مدت اجرای این نمایش ۳۵ دقیقه است و در مناطق مختلف کرج برگزار می‌شود.

زیر ذره‌بین

### ۲۰ ناشر بر تر نمایشگاه کتاب

فهرست ناشران پر فروش هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب تهران براساس تعداد نسخه‌های فروخته‌شده منتشر شد؛ این ناشران بیشترین سهم را از فروش کتاب در این رویداد به‌خود اختصاص داده‌اند.

به گزارش همشهری، خانه کتاب و ادبیات ایران فهرست ناشران پر فروش این رویداد را براساس تعداد نسخه‌های فروخته‌شده منتشر کرد. براساس آمار، انتشارات انقلاب اسلامی با فروش ۲۴هزار و ۷۴۵نسخه کتاب در جایگاه نخست قرار گرفته است. پس از آن، کانون فرهنگی آموزش با فروش ۲۴هزار و ۱۱۱نسخه در رتبه دوم استاد. انتشارات قدیانی نیز با فروش ۲۲هزار و ۲۳نسخه موفق شد جایگاه سوم فهرست پر فروش ترین ناشران را به‌خود اختصاص دهد.انتشارات امیرکبیر با فروش ۱۶هزار و ۵۷۴نسخه در رتبه چهارم قرار گرفت و انتشارات فنی ایران نیز با ۱۴هزار و ۸۸نسخه فروش، پنجمین ناشر پر فروش این دوره از نمایشگاه شد. تیر ششم به دفتر نشر معارف وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها اختصاص یافت که ۱۳هزار و ۸۷۰نسخه کتاب به فروش رساند. انتشارات مهرسا نیز با فروش ۱۳هزار و ۲۹۲نسخه کتاب در جایگاه هفتم قرار گرفت.نشر چشمه فروش ۱۰هزار و ۷۵۷نسخه کتاب را در هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب تهران ثبت کرد و رتبه هشتم را به‌دست آورد؛ انتشارات پرتقال وابسته به مؤسسه انتشاراتی سرزمین بچه‌های خوشحال با فروش ۱۰هزار و ۱۵نسخه در جایگاه نهم ایستاد. در رتبه دهم نیز انتشارات شهید کاظمی قرار گرفت که موفق به فروش ۹هزار و ۵۷نسخه کتاب در هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب تهران شد.

**ناشرانی با فروش بین ۵ تا ۸هزار نسخه کتاب**

- کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- واژه‌پرداز اندیشه
- شرکت انتشارات سوره‌مهر
- خیلی‌سبز وابسته به شرکت نشر توسعه خیلی‌سبز
- کتاب جگرگان وابسته به مسجد مقدس جگرگان
- دانشگاه پیام‌نور
- به‌نشر وابسته به آستان قدس رضوی
- نیلوفر
- سمت
- کتاب ارجمند



#### شهدای غریب

کتاب شهدای غریب اسارت خوزستان، نوشته علی ساقی، به زندگینامه، خاطرات و اسناد ۱۶۱شهید غریب اسارت از استان خوزستان اختصاص دارد. مزار برخی از این شهدا بعد از پایان جنگ تحمیلی و مبادله اسرا در یکی از گورستان‌های عراق پیدا شد. گویا بعد از بازجویی در استخبارات عراق دیگر هیچ خبری از آنها نشده بود.

روایت تهران

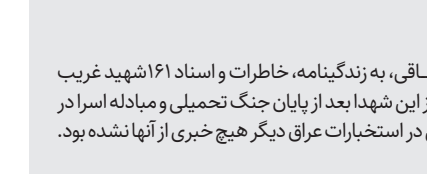
### اهالی ۱۱۳آبان تنها نماندند



محله ۱۱۳ آبان در جنوب تهران، یکی از مناطقی بود که در سال‌های جنگ ایران و عراق بارها طعم تلخ بمباران و موشک‌باران را چشید. اوایل فروردین ۱۳۶۴ اما که سنگین‌ترین حمله به این محله انجام شد. در آن حمله ۴موشک به مناطق مسکونی ۱۱۳آبان اصابت کرد و در اثر آن ۲۲افر به شهادت رسیدند.

محله ۱۱۳آبان و آبار تمان‌های کوچک و یک‌شکلش از نخستین خانه‌های گاز کشی‌شده تهران به شمار می‌آمدند. آن روز، یکی از موشک‌ها به کوجه «شهبور ۸» خورد و چهار ساختمان مسکونی را ویران کرد. شدت انفجار به اندازه‌ای بود که ساکنان محله‌های اطراف و حتی اهالی حوالی چهارراه آرامگاه، لرزش زمین و موج انفجار را احساس کردند. وقتی مردم و نیروهای امدادی به محل رسیدند، صحنه‌ای شبیه میدان جنگ پیش چشمشان بود؛ خانه‌هایی که ساعتی قبل محل زندگی خانواده‌ها بود، حالا به توده‌ای از خاک و آهن تبدیل شده بود.

پشت ساختمان‌های محله، فضای باز و زمین باری قرار داشت که چند موشک دیگر نیز آنجا فرود آمده بود. برخی از موشک‌ها عمل نکردند و همین مسئله باعث شد ابعاد فاجعه گسترده‌تر نشود. اما آن روزها هم اهالی ۱۱۳آبان تنها نمانده بودند، ساکنان دیگر محله‌ها با شنیدن خبر خود را به این محله رسانده بودند. نیروهای بسیج و مردم عادی، شانه‌به‌شانه هم با بیل و کلنگ به آواربرداری مشغول شدند و مجروحان را بیرون کشیدند.



#### شهدای غریب

کتاب شهدای غریب اسارت خوزستان، نوشته علی ساقی، به زندگینامه، خاطرات و اسناد ۱۶۱شهید غریب اسارت از استان خوزستان اختصاص دارد. مزار برخی از این شهدا بعد از پایان جنگ تحمیلی و مبادله اسرا در یکی از گورستان‌های عراق پیدا شد. گویا بعد از بازجویی در استخبارات عراق دیگر هیچ خبری از آنها نشده بود.



#### کوچه نقاش‌ها

کتاب «کوچه نقاش‌ها» درباره فرمانده شهید سید ابوالفضل کاظمی، فرمانده گردان لشکر ۲۷محمد رسول‌الله(ص) است. در این کتاب راوی دست می‌گیرد و به ۱۶گذر از زندگی این شهید می‌برد. کتاب کوچه نقاش‌ها را راحله صبوری نوشته و انتشارات سوره مهر منتشر کرده است.

# پرواز شجاعانه از پای لانچر

**سبک زندگی شهید سیدمجید حسینی به روایت همسرش**

گزارش

**الناز عباسیان |روزنامه‌نگار** |اسفند برای او همیشه پرماجرا بوده؛ چه اسفندی که به سیدمجید با کلی دودلی، بله گفت و عروس خانه‌اش شد و چه آن اسفندی که برای همیشه مرد خانه‌اش رفت. اما این خانه هنوز هم بی‌سجد نشده. فقط جسمش رفته و روحش اینجا کنار خانواده است؛ خانواده‌ای که این روزها با افتخار از شجاعت این مرد روایت می‌کنند. اما مگر می‌شود با واژه‌ها او و شجاعت بی‌ظنیرش را توصیف کرد؟ در ادامه بخشی از صحبت‌های هائیه‌سادات اسلاملو همسر مهندس سیدمجید حسینی را که در اوایل جنگ تحمیلی سوم پشت لانچر و حین عملیات پر تاب موشک با حمله جنگنده‌های آمریکا شهید شد، می‌خوانید.

**توانستم به این وصلت «نه» بگویم**

دی‌ماه سال ۹۸بود که یک جوهرهایی از دست خواستگارها کلافه بودم. در مراسم تشییع پیکر قاسم‌جق، از ایشان خواستم بر ایم دعا کن تا همسری شبیه خودشان، از نظر تقوا، منش و رفتار، مقدر کند. بعد از مدتی یکی از دوستانم اقامجید را به من معرفی کرد و گفت که او پسر بسیار باتقوا و بایمانی است اما با مکت معناری درباره شغلش گفت که مدافع حرم و نیروی سپاه قدس است. در آن لحظه به یاد حضرت زینب(س) افتادم و نتوانستم به این وصلت «نه» بگویم. با توجه به خطرانی که رزمندگان ما در سوریه با آن روبه‌رو بودند، به دوستم گفتم که به ایشان بگویند تماس بگیرند تا ببینیم خدا چه می‌خواهد. جلسه اول

**شمارا دارند آماده می‌کنند**

وقتی به سوریه می‌رفت، قلمب انگار خنجر می‌خورد و مدام دل‌تنگ بودم، اما بعد از مدتی عجیب‌صبور شده بودم.

گفتم سیدا! نکند دیگر شما را دوست نداشته باشم؟ گفت نه شما را دارند آماده می‌کنند. من آن موقع متوجه نشدم که منظورشان چیست. تازه الان که به آن صحبت‌ها فکر می‌کنم، می‌فهمم که داشتند مرا برای شهادتشان آماده می‌کردند.

**وقتی دنیا روی سرم خراب شد**

**مکت**

حوالی ساعت ۱۲ ظهر ۹اسفند ۱۴۰۴بود که سیدمجید با محل کارم در مدرسه تماس گرفت. البته قبلمش «بار زنگ زده بود. بچه‌ها را به‌دلیل شنیدن صدای انفجار به نمازخانه برده بودیم. گفت: من دارم می‌روم ماموریت. تو برو خانه پدرت. مراقب خودت باش. با دلی‌نگران به خانه پدری رفتم. سحرگاه وقتی گوشی‌ام را جک کردم، متوجه



**فیلم، کتاب و موسیقی رایگان برای اعضای کانون**
کانون پرورش فکری با برگزاری رویداد «تصویر، نمحه و قصه کانون»، از ۱۶ خرداد تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۵ هر روز یک فیلم یا انیمیشن، یک کتاب صوتی و یک اثر موسیقایی رایگان در اختیار کودکان و نوجوانان عضو قرار می‌دهد. اعضا می‌توانند به نشانی nama.kp.f.ir مراجعه کنند.

# تجلی «الوعده وفا» در میدان

**واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به حمایت عملی جمهوری اسلامی ایران از شیعیان لبنان**

گزارش

**علی‌الله‌سلیمی | روزنامه‌نگار**
در روزهای آتش‌بس هم‌خصومت دشمن آمریکایی – صهیونیستی با ایران و ایرانی و شیعیان دوستدار ایران در آن سوی مرزها پایانی نداشت. چندی پیش وقتی دشمن صهیونیستی ضاحیه بیروت و شیعیان لبنان را تهدید به حمله و

الوعده وفا...

فرمانده هوافضای سپاه با دو کلمه، تاریخ را نوشت. این یعنی: ما تهدید نمی‌کنیم، ما وعده می‌دهیم و به آن عمل می‌کنیم. #الوعده\_وفا

**محمد اکبرزاده**
**@m\_akbarzadeh5**

تا قبل از حمله مقتدرانه موشکی ایران، نه از ناراضی بودن ترامپ بابت حمله به بیروت خبری بود نه از اعلام زمان‌های قریب‌الوقوع برای امضای توافق! آنچه سایه جنگ را از سر کشور دور می‌کند فقط و فقط قوی شدن است؛ آنچه محاسبات دشمن را به هم می‌ریزد فقط اقتدار است و مقاومت. #الوعده\_وفا

**علی چاهخوزاده**
**@ai\_chahkho**

در معادلات جدید منطقه، مهم‌تر از اصل قدرت، باورپذیری قدرت است، ایران سال‌ها متهم به بلوف‌زنی می‌شد حالا دشمن می‌داند هر تهدیدی که از تهران صادر شود، پشتوانه اراده و اقدام دارد. این همان تغییری است که بازدارندگی را واقعی می‌کند. #الوعده\_وفا

**لیلی یزدی**
**@Leyllyazdi**

بعضی‌ها فکر می‌کردند «وعده صادق» فقط یک اسم رمز است. #الوعده\_وفا آمد تا ثابت کند «وعده» یعنی قول، «وفا» یعنی عمل. موشک‌ها رفتند. نه موشکی گم شد، نه وعده‌ای بی‌پاسخ ماند. دقت، قدرت، وفا

**ریحانه بهشتی**
**@gh\_allahbakshsh**

وقتی آتش تنها برای ایران بس است! وقتی دو ملت به‌هم تنیده ایران و لبنان عزیز در کالبد مقاومت را می‌خواهند جدا درنظر بگیرند! وقتی دشمن از قدرت منطق فاصله گرفته و فقط منطق قدرت را می‌فهمد! باید هزینه این گستاخی را به دشمن سریع فهماند. #الوعده\_وفا

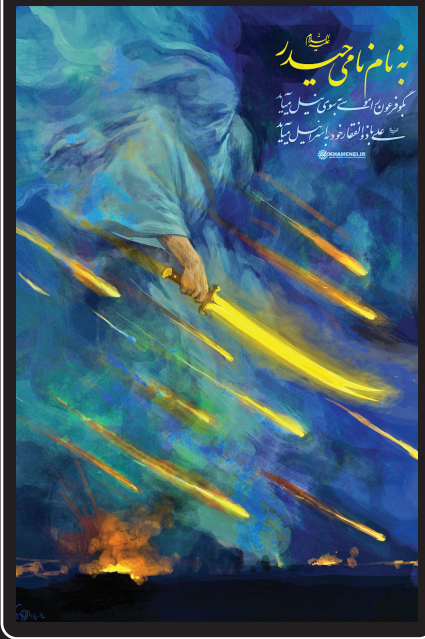
**شیر فرهاد**
**@ShirFarhad61**

چند روزی بود که رجز آقا مهدی رسولی را کمتر شنیده بودیم تا اینکه در شب ۱۰۰ تجمعات شب‌های اقتدار شنیدیم آقا سیدمجید موسوی #الوعده\_وفا را محقق کرد و #الوعده\_وفا اجرا شد.

بزن که خوب می‌زنی
تورستم تهمتنی

**فائزه**
**@faezeh\_salimi80**

یادت باشد روزی را که #الوعده\_وفا شد. روزی که ایران به تمام جهان فهماند «وعده صادق» یعنی وعده‌ای که دروغ در آن نیست. از این به بعد هر تهدید ایران را جدی بگیرید. ما که همیشه جدی بودیم.



www.hamshahrionline.ir

**همیشه‌های**

صفحه ۱ از ۱سید غفوری

یاد

### توسل به حضرت علی اکبرؑ برای پیدا شدن پیکر شهید

همسر شهید سیدمجید حسینی ماجرای پیدا شدن پیکر همسرش را از قول دوست همسرش چنین تعریف می‌کند: «روز عرفه، سه مزارش بودم که یکی از هم‌زمانش که حالش خیلی دگرگون بود به آنجا آمد. از او درباره چگونگی شهادت آقاسیدمجید پرسیدم. انطور که هم‌رمش تعریف می‌کرد گویا گلوله توپ گیر کرده بوده و آنها در حال رفع اشکال بودند که موشک مستقیماً به سیدمجید اصابت می‌کند و او به همراه ۲ نفر از دوستانش به شهادت می‌رسند. پیکر دوستانش همان جا بوده، اما پیکر آقاسیدمجید را پیدا نمی‌کردند تا اینکه هم‌زمانش روضه حضرت علی‌اکبر(ع) را خواندند و پیکرش را پیدا کردند.» هائیه‌سادات اسلاملو در لابه‌لای حرف‌هایش می‌گوید: «خیلی به او علاقه داشتم اما هیچ‌وقت مانع اهدافش نشدم. وقتی خبرشهادتش را شنیدم، تا چند روز حال خودم را نمی‌فهمیدم، اما حالا آرامم؛ چون می‌دانم او به خواست‌اش رسید. او همیشه با چشمان گریان از حرم امام حسین(ع) و حضرت عباس(ع) بیرون می‌آمد و مطمئنم چیزی جز شهادت و عاقبت‌به‌خیری نمی‌خواست. حالا هم می‌دانم که شهها زنده‌اند؛ هر چند شکیبایی بر جای خالی‌شان سخت است، اما حضورشان پرنگ‌تر از هر زمان دیگری در زندگی‌مان حس می‌شود. بارزترین ویژگی سیدمجید، تواضع و اخلاصش بود. با اینکه به زبان‌های عربی(شامی و عراقی) کاملاً مسلط بود، هر گز خودنمایی نمی‌کرد و بسا فروتنی می‌گفت: من چیزی بلد نیستم. زندگی‌اش به شدت ساده و صادقانه بود؛ هیچ‌وقت دروغ نمی‌گفت و قیبت نمی‌کرد؛ حتی اگر کسی در حضورش غیبت می‌کرد، مانع می‌شد. شجاعتش بی‌ظنیر بود؛ با اینکه می‌دانست خطر قرار گرفتن توسط «هرمس» وجود دارد، بی‌پروای لانچر و پدافند می‌ایستاد. من در این ۶سال و اندی زندگی مشترک، چیزهای بسیاری از او آموختم و همیشه بر سر مزارش به او می‌گویم که چقدر به او افتخار می‌کنم. یادم هست با هم به تماشای فیلم «موقعبت مهدی» رفتیم. او با دیدن فیلم گفت: «چقدر زندگی‌شان شبیه ماست.» من در دلم گفتم: «ان‌شاءالله که زندگی‌ما به شهادت ختم نشود و سال‌ها کنار هم باشیم.» اما قسمت چیز دیگری بود. حالا که پس از شهادتش، نکته‌هایی از آن فیلم را به یاد می‌آورم، شباهت عجیبی میان او و شهید باقری می‌بینم.»